

نوشته: ژان چارلز بریسار گیوم دسکی

ترجمه: دوکتور محمد آجان مرزئی

محمد شریف بهاند

حقیقت ممنوع

درگیری های اضلاع متحده امریکا با اسامه بن لادن

فصل پنجم

مذاکرات به هر قیمت

شاید در مورد کشور های دیگر فوراً تعزیرات های شدید اقتصادی وضع گردیده، قدرتمندان محلی تحت فشار قرار داده شده و به يك اپوزیسیون دموکراتیک کمک رسانیده میشود. ... اعضای کمیته امور خارجی کانگرس تا به حال اظهار مینمودند که در رابطه با افغانستان ” اکثریت به این نظر نیست“.

بهتر از همه اینکه وزارت امور خارجه امریکا به تاریخ اول فیبروری سال ۱۹۹۹ تلاش نمود، تا شرایط جدیدی را بوجود آورد، که امضای يك موافقتنامه قابل قبول برای هر دو جانب را ممکن سازد. معاون وزارت امور خارجه امریکا، ستروب تالبوت Strobe Talbott، شخص درجه دوم دیپلوماسی امریکا جهت ملاقات با نمایندگان طالبان شخصاً به اسلام آباد سفر نمود. وی با طالبان در مورد اثبات دست داشتن اسامه بن لادن و سازمان القاعده اش در سوء قصد های ناپروبی و دار السلام (حتی در این مقطع زمان) بحث نموده، درخواست رسمی را در مورد تسلیمی این شخص به امریکا به آنها سپرد، که در صورت حل مسأله بن لادن برقراری روابط میان هر دو کشور را در آینده وعده میداد. اما برای همه جوانب مسأله به زودی واضح گردید، که این تلاش ها با در نظر داشت قاطعیت سنی های افغانی از اهمیت زیاد برخوردار نبود. تعداد زیادی از کشور ها به این مسأله علاقه مندی جدی نشان داده و در صحبت ها نیدخل گردیدند. بدین ترتیب يك چهار چوب دیگر محرمانه در شکل يك گروه بین المللی بنام ”شش جمع دو“ به ابتکار روسها و امریکاییان^(۱) در چوکات ملل متحد ایجاد شد.

لخضر براهیمی يك دیپلمات با تجربه است. وی از جانب منشی عمومی سازمان ملل متحد موظف گردید، تا صحبت های ارتباطی با طالبان را سازمان داده و اداره نماید. براهیمی در جریان سال ۱۹۹۹ در هر جا دیده میشود. در وادی کندهار در افغانستان، در پاکستان و اولتر از همه در ریاض در عربستان سعودی، جایی که در آن با شاه فهد شخصاً ملاقات نمود. موصوف به احتمال قوی در ماه فیبروری سال ۱۹۹۹ با شهزاده ترکی الفیصل هم دیدار نمود. شهزاده ترکی الفیصل مسؤول مسلح نمودن استخبارات پاکستان آی، اس، آی، سی، سپاه طالبان و اولین ملیشای مجاهدان بود که در سالهای هشتاد بن لادن هم در وجود آن تبارز نمود^(۲). براهیمی تحت بیروق ملل متحد برای همه بازیگران تخته شطرنج افغانستان، به يك شخصیت مرکزی مبدل گردید. نمایندگان وزارت امور خارجه امریکا و روسیه در مقر ملل متحد در نیویارک غرق توصیف وی بودند. آیا کسی بهتری از وی برای ایجاد و رهبری گروه شش جمع دو موجود بود؟

این گروه مشتمل بود بر شش همسایه افغانستان یعنی پاکستان، ایران، چین، اوزبکستان، تاجکستان، ترکمنستان و جمع دو یعنی ”روسیه و ایالات متحده امریکا“. يك میراثی واقعی از زمانه های جنگ سرد. واشنگتن و مسکو عاری از همه جبر های قانون و اما به خیر خواهی ملل متحد بعد از گذشت بیست سال دوباره در مورد سر نوشت افغانستان تصمیم گرفتند. یگانه بهبود قابل ملاحظه آن بود که هر دو حکومت به جای مقابله از طریق به میان کشیدن افغانستان، این بار با در نظر داشت اهداف ستراتیژیک همسایه های افغانستان به صورت مستقیم با هم مذاکره نمودند. مذاکرات شش جمع دو به تاریخ ۱۹ جون سال ۱۹۹۹ با حضور طالبان در تاشکند پایتخت اوزبکستان آغاز گردید^(۳)، یعنی يك ماه بعد از آنکه سازمان داخلی جاسوسی امریکا اف بی آی، اسامه بن لادن را در لست ده مجرمی که، بیشتر از همه در سطح بین المللی مورد پیگرد بودند، قرار داد.

در این زمان ایالات متحده امریکا باز هم امیدواری مطیع ساختن طالبان را در دل می پروراند. رئیس جمهور امریکا بیل کلننن به تاریخ ۴ جولای سال ۱۹۹۹ از نواز شریف صدر اعظم پاکستان به صورت رسمی پذیرایی نمود. میان دهلی جدید و اسلام آباد زد و خورد جدید در ارتباط با منطقه کشمیر به وقوع پیوسته بود. هر دو شخص پایه های

تفاهم را در یافتند. به نواز شریف چند هفته وقت داده شد، تا قطعانش را از کوهستانهای کشمیر بیرون نماید. قطعات پاکستانی در کشمیر به گروهی از رزمجویان اسلامیت، که استخبارات پاکستان آی، اس، آی ISI آنها جمع آوری و ایجاد نموده بود، تعلیم و مشورت میداد. بالمقابل رئیس حکومت پاکستان باید امر آی اس آی جنرال خواجه ضیاءالدین را جهت تلاش در مورد تسلیم دادن اسامه بن لادن به اضلاع متحده، به کندهار می فرستاد^(۴). این معامله مبادلوی بر عکس همه انتظارات به صورت عالی عمل نمود. ضیاءالدین بتاريخ ۵ ماه اکتوبر با ملا محمد عمر صحبت کرد. ملا عمر درین صحبت در مورد همکاریش ابراز آمادگی نمود. به عقیده مشاوران بیل کلنتن سلسله موفقیت ها آغاز گردید. صدر اعظم پاکستان به تاریخ ۷ ماه اکتوبر به آی اس آی امر نمود، تا همه کمپ های تربیتی بنیادگرایان را در سرحد میان پاکستان و افغانستان اولتر از همه در "منطقه قبایلی" مسدود نماید.

اما به تاریخ ۱۲ ماه اکتوبر در اسلام آباد کودتائی صورت گرفت. لوی درستیز قوای مسلح نواز شریف را از قدرت بر انداخته و خودش به قدرت رسید. اسم این شخص جنرال پرویز مشرف است. وی که طرفدار اسلام میانه رو بود، فوراً در برابر خارج يك سیاست متعادل را در پیش گرفت. خاطر ایالات متحده آمریکا آرام گردید، با وجود آنکه تلاشهای ارتباطی حکومت شریف در نتیجه این تغییر ناگهانی نا بود گردیدند.

شورای امنیت ملل متحد به این ارتباط به تاریخ ۱۵ اکتوبر سال ۱۹۹۹ فیصله نامه شماره ۱۲۶۷ را به تصویب رسانید، که در آن از کابل خواسته شده بود، تا اسامه بن لادن را تسلیم نماید. عدم تطبیق این فیصله نامه ملل متحد تعزیرات کاملاً همه جانبه اقتصادی را در پی داشت. به وارد آوردن فشار بالای طالبان ادامه داده شد. اما این فشار نباید آنقدر زیاد میبود، که باعث تشنج و کدورت اوضاع میگردد.

در ماه جنوری سال ۲۰۰۰ در مقر اصلی دموکرات ها و جمهوریخواهان در ایالات متحده روز شماری آغاز گردید. از این تاریخ به بعد الی ماه نومبر مبارزه انتخاباتی برای ریاست جمهوری اوضاع را در کشور تعیین می نمود. در هر دو فرارگاه به اصطلاح اسلحه برای مبارزه آماده میگردد و اولتر از همه ستراتیژی های عاقلانه بازاریابی، طرح میشد، تا مستهلك که در وجود هر انتخاب کننده ای نهفته است، جلب گردد.

تیم کلنتن، با وجود آنکه در مناظره سیاسی به مسایل بین المللی چندان توجهی نداشت، تلاش نمود تا قبل از تسلیمی قدرت برخی از دوسیه ها را ببندد. يك مسأله احساس مسؤولیت و در عین زمان فرصت طلبی. ... بیل کلنتن میدانست که با وجود بد نامیش به خاطر مسأله مونیکا لونسکی هنوز هم امکانات بسر رسانیدن موقانه دوره حکومت خود را دارد. این موضوع میتواند برای معاون رئیس جمهور، ایل گور Gore که جانشین تعیین شده قرار گاه دموکرات بوده و بر حق یا نا حق منحصیث میراث فکری کلنتن تلقی میگردد، نیز خوش آیند باشد.

در این زمان در جهان دو مشکل عمده موجود بود، که هم دوستان آمریکا و هم متخصصان مسایل امنیت بین المللی را نا آرام می ساخت: مناطق اشغال شده فلسطینی ها و اهداف طالبان در افغانستان. بیل کلنتن در جریان ماههای اخیر کارش در دفتر بیضوی (دفتر ریاست جمهوری) تلاشهایش را جهت یافتن راه های حل مشخص برای این معضلات دو چند ساخت.

از نظر مشاوران دیپلوماتیک رئیس جمهور، بعد از آنکه محمد عمر در ماه جنوری سال ۲۰۰۰ از خود حسن نیت نشان داد، معقول به نظر می رسید، تا مذاکرات را دوباره آغاز گردد. فلذا رئیس اداره امور آسیای جنوبی در وزارت امور خارجه به تاریخ ۲۰ جنوری سال ۲۰۰۰ عازم اسلام آباد گردید. این ملاقات کارل اندرفورت Karl Inderfurth ، اولین تماس میان حکومت آمریکا و رئیس جدید دولت پاکستان پرویز مشرف بود. نماینده وزیر خارجه وقت آمریکا مدلین آلبرایت در آنجا با دو شخصیت افغانی، وزیر اطلاعات طالبان، امیرخان متقی و سفیر طالبان در پاکستان سیدمحمد متقی^(۵) ملاقات نمود. موضوع مذاکرات، تسلیم دادن اسامه بن لادن به آمریکا و عادی ساختن روابط میان جامعه بین المللی و طالبان بود. اندرفورت با استفاده از فرصت با تام سایمنس Tom Simons سفیر آمریکا در پاکستان که ممکن در ماههای آینده به نیروی محرک مذاکرات مبدل میگردد، نیز صحبت نمود.

تاریخ این ملاقات خالی از اهمیت هم نیست. کوفی عنان سر منشی سازمان ملل متحد دو روز قبل از این ملاقات يك مسؤول جدید را برای مسأله افغانستان تعیین نموده بود. اسم وی فرانسیس ویندرل Francesc Vendrel بوده و عنوان فرستاده خاص سرمنشی سازمان ملل متحد و آمر کمیسیون خاص سازمان ملل متحد در افغانستان را بدست آورد^(۶). از این زمان به بعد تمام صحبت های غیر رسمی با طالبان از طریق وی صورت گرفتند. ویندرل تلاش

نمود، تا اسامه بن لادن را تحویل محکمه نماید. در داخل سازمان ملل متحد فعالیتهای مزید گروه شش جمع دو به ملاحظه میرسید. در قصر سفید تصمیم گرفته شد، تا پاداش حسن نیتی که بالاخره محسوس بود، داده شود. ۱۱۴ میلیون دالر برای کمک به افغانستان تخصیص داده شد، تا بین سازمانهای منطوقی که تحت نظارت طالبان و سازمان ملل متحد قرار داشت، توزیع گردد^(۷). در این وقت، بعد از سال ۱۹۹۸، باز هم برای اولین بار خوشبینی حکفرما شد. ویندریل بین کابل و نیویارک در سفر بود و در تابستان همین سال گروه شش جمع دو برای اولین بار در واشنگتن جلسه نمود. و یا بهتر از آن اینکه: اشتراک کنندگان جلسه میخواستند، تا از ریفرم حکومت کابل، که هدفش همکاری رهبران طالبان و ائتلاف شمال باشد، حمایت نمایند. پیشرفت ها آنقدر قابل توجه بودند که ویندریل از هر دو جانب متخاصم دعوت بعمل آورد، تا در مذاکرات مستقیماً اشتراک ورزند. در یک گزارش مورخ ۱۷ اگست سال ۲۰۰۱ سر منشی سازمان ملل متحد، کوفی عنان آمده است که اعضای گروه شش جمع دو از سال ۲۰۰۰ به بعد با طالبان در تماس دایمی بوده اند^(۸). همه اعضای شورای امنیت ملل متحد به شمول فرانسویان و انگلیسیها آنها را در این عمل شان تشویق نمودند.

وزارت امور خارجه امریکا برای جلوگیری از ضیاع وقت، آغاز دوباره مذاکرات با کابل را به تصویب رسانید. به روز چهارشنبه، ۲۷ سپتمبر سال ۲۰۰۰ پیشرفت در گرمی روابط به ارضای خاطر همه مشاهده شده میتوانست. زیرا در همین روز معاون وزیر خارجه طالبان، عبدالرحمان زاهد، در انستیتوت شرق میانه در واشنگتن یک سخن رانی همه جانبه نمود^(۹). نامبرده در سخن رانش از ملل متحد خواست، تا مشروعیت حکومتش را به رسمیت بشناسد. هیچ یک از شنوندگان در برابر اینچنین یک لابییزم (تبلیغ منافع) آشکار از خود عکس العملی نشان نداد. رهبر افغانی برای آنکه مورد پسند شنوندگان قرار گیرد، در ارتباط با اسامه بن لادن وعده های چرب و نرمی نمود. عبدالرحمان زاهد اطمینان داد، که بزرگان مذهبی کشورش یک کمیسیون تحقیقاتی را موظف نموده است، تا تقصیر بن لادن در مورد سوء قصد ها را بررسی نموده و در حدود اقدامات ممکنه در رابطه با تسلیمی وی تصمیم بگیرند. در این مقطع زمان حتی مسؤول امور ضد ترور قصر سفید، مایکل شیهان Michael Sheehan با عبدالحکیم مجاهد، یکی از اعضای هیئت طالبان، ملاقات نمود.

وزارت خارجه ایالات متحده یک ماه بعد، به تاریخ ۱۸ اکتوبر سال ۲۰۰۰ کار گروه شش جمع دو و ادامه مذاکرات با طالبان را به خاطر ایجاد صلح در افغانستان به رسمیت شناخت^(۱۰). بعد از گذشت دو هفته چنان می نمود، که گویا گروه موصوف در آستانه حصول نتایج از کارش قرار داشته باشد. فرانسس ویندریل اظهار داشت که فرکسیونهای متخاصم افغانی - ائتلاف شمال و طالبان - برای اولین بار تحت رهبری گروه شش جمع دو بالای یک روند مشترک صلح غور نمودند^(۱۱). ثبات کشور که برای غرب اهمیت زیاد داشت، ظاهراً در آستانه تحقق قرار گرفته بود و با اطمینان خاطر گفته شده می توانست، که اسامه بن لادن از مقدس گاه اش رانده خواهد شد. و اما در این فصل خزان اینگونه خبر های جرأت دهنده با بی تفاوتی روبرو شدند. در ایالات متحده انتخابات ریاست جمهوری همه طبقات سیاسی را منسجم می نمود. هر دو حزب در هفته های اخیر انتخابات طور معمول به مبارزه انتخاباتی شان شدت بخشیدند. هر دو حزب و قهرمانانشان تمام توجه مطبوعات را به خود جلب نموده بودند. بر اساس نظر خواهی اخیر میان هر دو کاندید تفاوت قابل ملاحظه ای موجود نبود. این مسأله باعث شدت بیشتر مبارزه انتخاباتی گردید.

تا اخیر ماه نومبر تمام رای ها شمرده شده بودند و اما عدم اطمینان ادامه یافت. هفته های متعدد وقت لازم بود تا در مورد یکی از کاندید ها تصمیم گرفته شده و موفقیت گورنر تکزاس جورج دبلیو بوش اعلام گردد. امور افغانی بعد از به پایان رسیدن هیاهوی انتخابات دوباره جلب توجه نمودند. اما حال شرایط به صورت کامل تغییر نموده بود. در جریان کمتر از یک ماه توازن دیپلماتیک میان طالبان و غرب مختل شده بود. مذاکرات و صحبت ها تحت رهبری شش جمع دو غیر قابل سؤال بود. هر دو طرف از خود عکس العمل های متکی بر سوء ظن و قهر آمیز نشان دادند. مایکل شیهان هم صحبتان طالبان را به تاریخ ۱۲ دسمبر سال ۲۰۰۰ درج لست سیاه نمود. وی آنها را در برابر کمیسیون عدلی پارلمان امریکا با کلمات شدیدالحنی محکوم کرده، به حمایت از تروریزم متهم نموده و از جامعه بین المللی تقاضا نمود، تا در مقابل کابل تعزیرات جدیدی را وضع نماید. این درخواست وی به تاریخ ۱۹ دسمبر عملی گردید. شورای امنیت ملل متحد تعزیرات شدید اقتصادی را علیه طالبان تصویب نموده و بخشی از دارائی مالی شانرا قید نمود. این تصویب یکی از آخرین فیصله های حکومت کلنتن بود.

کدام وقایع باعث این تغییر کلی گردید؟ چرا طالبان به یکبارگی دیگر متمایل نبودند، که با هم صحبتان شان مذاکره نمایند؟ اینها هم به نوبه خود ابراز خشونت نموده و به دشنام گویی پرداختند. به این سوالات تا به امروز جواب

داده نشده است. اما هر دلیلی هم که باعث تغییر اوضاع شده باشد، زیاد دوام نکرد. روش در برابر طالبان بلافاصله بعد از مراسم تحلیف جورج دبلیو بوش تغییر نمود.

مأخذ:

۱ - طوریکه از يك اعلامیه پیتر بورلای، سفیر ایالات متحده در سازمان ملل متحد بر می‌آید، مسکو و واشنگتن پلان ایجاد گروپ شش جمع دو را در ربع سوم سال ۱۹۹۷ پیشکش نمودند (آرشیف سازمان ملل متحد). این پلان در بهار سال ۱۹۹۹ تحقق یافت.

۲ - امروز به اثبات رسیده است، که شهزاده ترکی الفیصل، پسر شاه سابق فیصل، واقعاً در مورد تسلیمی اسامه بن لادن به خاطر محاکمه نمودنش در عربستان سعودی تلاش نمود.

وی اولین تلاشهایش را درین مورد در ربع دوم سال ۱۹۹۹ در برابر طالبان براه انداخت. ترکی الفیصل از سال ۱۹۹۷ بدین سو رئیس استخبارات عربستان سعودی بوده و به تاریخ ۳۰ اگست سال ۲۰۰۱ از وظیفه اش معزول گردید. وی در يك نامه سر بازش در يك روزنامه عربی بنام الشرق الاوسط بتاريخ دهم اکتوبر سال ۲۰۰۱ اظهار نمود، که اسامه بن لادن مسؤول سوء قصد ها در نایروبی و دارالسلام و سوء قصد یازدهم سپتمبر سال ۲۰۰۱ علیه مرکز تجارتي جهان میباشد.

۳ - پروتوکول نظر خواهی مؤرخ ۳۱ اگست سال ۱۹۹۹ شورای امنیت ملل متحد در مورد اوضاع افغانستان. درین نظر خواهی سفیر روسیه گینادی گنیلوف و همکار ایرانیش، مهدی دانش یزدی در مورد آغاز کار گروپ شش جمع دو گزارش دادند.

4. Le Mond du renseignement, Nr. 290, Juni 1996

۵ - آرشیف سفارت امریکا در استانبول.

۶ - آرشیف ملل متحد، ۱۷ جنوری سال ۲۰۰۰.

۷ - در سال ۲۰۰۱ وسایل مالی جهت کمک به افغانستان بیشتر گردیده و به ۱۲۴ میلیون دالر بالغ میگردد. وزیر خارجهء اضلاع متحده کولین پاول این رقم را به تاریخ ۱۷ می سال ۲۰۰۱ در ضمن بیانیه ای اعلام نمود. اتحادیه اروپا به خاطر احتجاج علیه شکل حاکمیت طالبان از سال ۱۹۹۸ به بعد همه کمک ها برای حکومت افغانستان را متوقف نموده بود.

۸ - گزارش منشی عمومی شورای امنیت. سند شماره A/55/1028-S/2001/789 سازمان ملل متحد تحت عنوان “اوضاع در افغانستان و مفهوم آن برای صلح و امنیت بین المللی”.

9. United Press International, 27. September, 2000

۱۰ - توماس پکرینگ، وزیر دولت در امور سیاسی در جریان سفرش به مسکو به رسمیت شناختن این گروپ را اعلام نمود. وی درین فرصت در جریان يك مصاحبهء مطبوعاتی در قصر سپاسو Spaso در مسکو در مورد مذاکراتش در باره کار گروپ شش جمع دو با معاون وزیر خارجهء روسیه ویاچیسلاف تورینیکوف گزارش مفصل داد.

۱۱ - اعلامیه مؤرخ ۳ نومبر سال ۲۰۰۰ شورای امنیت ملل متحد. در سند مؤرخ ۱۷ اگست سال ۲۰۰۱ سرمنشی ملل متحد از يك سند تحریری مؤرخ ۲ نومبر سال ۲۰۰۰ مذاکرات یادآوری صورت گرفته است.

فصل ششم گزارش نامه مذاکرات ممنوع (پنج فبروری الی ۲ اگست سال ۲۰۰۱)

لیلا هیلمز مسؤول امور تبلیغاتی طالبان در آغاز سال ۲۰۰۱ فعالیتش را مجدداً آغاز نمود. وی بعد از اعلامیه مؤرخ پنج فبروری در روز نامه تایمز The Times که در آن از حکومت جدید خواسته شد تا مذاکرات را دوباره آغاز نماید، سفر سفیر سیار طالبان سید رحمت الله هاشمی، معاون ملا عمر را تنظیم نمود. چرا در یک مدت کوتاه تغییرات متعددی در مشی حکومت امریکا رویکار آمد؟

در حکومت جدید بوش تعداد زیاد تصمیم گیرندگان موجود اند، که از صنایع انرژی می آیند و این مسأله خود یک معضله را باعث گردید. زیرا برای همه آنها منافع اقتصادی که به ثبات در آسیای میانه بستگی داشتند، آشکار بوده و هیچ یک شان پلان های جدید پایپ لاین گاز از طریق افغانستان را فراموش نکرده بود. مگر بالاخره تمویل کنندگان اصلی مبارزه انتخاباتی بوش کانسرنهای نفت و گاز از تکزاس نبودند؟^(۱) این مسأله بعد از مراسم تحلیف حکومت جدید هم فراموش نگردیده بود. این حکومت جدید به تاریخ ۲۹ مارچ سال ۲۰۰۱ افتتاح حفاظت گاه ملی طبیعت در الاسکا را جهت تفحصات نفت و رد نمودن پروتوکول کیوتو Kyoto در مورد پخش مواد کثیف کننده فضاء را که باعث عدم رضایت صنایع انرژی گردیده بود، به تصویب رسانید. به این ارتباط سوانح مسؤولان جدید که در خدمت جورج دبلیو بوش قرار دارند، جالب است.

دیگ چینی تا زمان مبارزات انتخاباتی برای سالیان متمادی رئیس هالی برتن Halliburton، بزرگترین تصدی خدماتی جهان برای صنایع نفت بود. کوندولیزا رایس Condoleezza Rice مسؤول شورای امنیت ملی، که تمام استخبارات امریکا تحت اثرش قرار دارند، ۹ سال کارمند شرکت شیورون بود. وی از سال ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۰ عضو هیئت رئیسه این هیولای نفت بوده و به مثابه شوروی شناس خوب و سابق در صحبت ها در مورد آسیای میانه اشتراک می‌ورزید، مخصوصاً در صحبت در مورد قزاقستان، جانیکه شیورون نفوذ زیاد دارد. دونالد ایوانز Donald Evans وزیر اقتصاد و یک دوست نزدیک بوش منحیث رئیس عمومی تصدی تام برون Tom Brown Inc همانند اسپینسر ابراهام Abraham Spencer وزیر انرژی پله های نخست رسیدن به مقام را اولتر از همه در ساحه نفت طی نمودند. کاتلین کوپر Kathleen Cooper وزیر دولت در امور اقتصادی در وزارت اقتصاد، سر مشاور اقتصادی در کانسرن جهانی ایکسان Exxon بود.^(۲)

در موقف های پائینی کابینه هم اینچنین زندگی نامه ها به مشاهده رسیده می‌توانند. این سیاستمداران که در گذشته حامی منافع کانسرن های نفت بوده اند، شدیداً تلاش می‌نمایند، تا یک سیاست توسعهی انرژی را پیاده نمایند. معاون رئیس جمهور، دیگ چینی، به تاریخ ۲۹ جنوری یعنی چهار روز بعد از مراسم تحلیف جورج دبلیو بوش، برای این منظور یک سازمان غیر رسمی را بنام نیروی عملیاتی سیاست انرژی Energy Policy Task Force تاسیس نمود. اعضای پارلمان و ژورنالیستان سیاسی فعالیت‌های این سازمان را با هیجان تعقیب می نمودند.^(۳) معاون رئیس جمهور، دیگ چینی، به تاریخ ۱۶ می سال ۲۰۰۱ اظهار آمادگی نمود، تا خلاصه اقدامات مصوبه مربوط به سیاست انرژی را پخش نماید. البته این اقدامات صرف اهداف عمومی، مقدم بر همه موافقتنامه های جدید با آسیا را در بر داشتند. جزئیات بیشتر افشاء نگردید. این معلومات غیر قابل فهم باعث خشم دفتر عمومی محاسبات کانگرس^(۴) گردید. دفتر محاسبات به تاریخ ۱۰ سپتمبر سال ۲۰۰۱ برداشتن پرده از جزئیات برنامه مصوب نیروی عملیاتی سیاست انرژی و نخست از همه افشاء نمودن نام اعضای این سازمان را در خواست نمود. دوید واکر David Walker رئیس دفتر محاسبات حتی تعقیب حقوقی این مسأله را مورد غور قرار داد.

تأثیر این اندیشه های جلوگیریانه بالای مسأله افغانستان نامعلوم است. اما بخش نفتی (کانسرن های نفتی) از سر عتی که قصر سفید می‌خواست مذاکرات را با طالبان از سر گیرد، احساس خرسندی میکرد. آسیای میانه برای سکتور نفت که در جنوری سال ۲۰۰۱ در واشنگتن به آن رجحان داده میشد، نباید موقف یک کشور در حال رشد را می‌گرفت، که در صورت لزوم فروشندگان وسایل جنگی کهنه به آن ابزار علاقه مندی می نمایند. به خصوص به خاطر آنکه شرایط تغییر نموده بودند. مسکو و پیکینگ معاهدات مختلف را در مورد ساختمان پایپ لاینی که می بایست نفت را از آسیای میانه انتقال دهد، به امضا رسانیدند و مهم تر از همه اینکه از تابستان بدین سو پایپ لاین روسی که نفت را از منطقه کسپین پمپ می نمود، شروع به کار نموده بود. پایپ لاین امریکائی، رقیب پایپ لاین روسی در ”گذرگاه غربی“، که باید به جبهان در ترکیه می‌رسید، هنوز هم در مرحله پلانگذاری قرار داشت. امکان آن موجود بود، که در صورت

ادامه کار به این سرعت ساحات نفت و گاز کانسرن های امریکائی در قزاقستان، ترکمنستان و اوزبیکستان به زودی به پایپ لاین های گاز تحت کنترل چین و روسیه وصل گردند.^(۵)

حکومت تصمیم گرفت تا مذاکرات را با طالبان آغاز نماید، با وجودی که سازمان ملل متحد به تاریخ ۱۹ دسامبر علیه کابل تعزیرات را وضع نمود و طرز تکلم طالبان نیز قابل فهم بوده و مسؤولان مبارزه ضد ترور اداره کلنتن به این نتیجه رسیده بودند، که محصلان قرآن به حمایت از تروریستان ادامه خواهند داد. لیلیا هیلمز موظف گردید در محضر عام در مورد رهبران افغانی تا حد امکان تبلیغ نماید و گفته شد که بقیه مسایل در قصر سفید و وزارت امور خارجه سر براه خواهند شد.

دیپلوماتهای سفارتهای اروپائی تلاش نمودند، تا واقعات را تعقیب نمایند. آوازه بود که با حلقهء مربوط به قاضی حسین احمد، رهبر بنیادگرای جماعت اسلامی، که قطعاًش را در دره خوست با نیرو های اسامه بن لادن متحد ساخته بود، تماسهای غیر رسمی صورت گرفته است. وزارت خارجه امریکا صلاحیت این صحبت های کاملاً خطرناک را به عهده وزیر دولت کریستینا روکا امره امور آسیا گذاشت. نامبرده قبلاً از سال ۱۹۸۲ الی ۱۹۹۷ منحصراً اجنت استخباراتی سی آی ای در این منطقه جهان مشغول بود. او در آنجا برای چندین سال روابط سی آی ای را با چریکهای اسلامی تنظیم نموده و مسؤول بخش ارسال راکت های سنتگر به مجاهدان افغانی بود. کریستینا روکا در می سال ۲۰۰۱ از زیر سایه قوه اجرائیه امریکا بیرون آمد تا در جهان روشنتر دیپلوماسی با هم صحبتان سابقش تماس گیرد.

این خانم در بازپرسی از طرف اعضای مجلس سنا خواست اداره جدید را مبنی بر تأمین مجدد صلح در افغانستان پنهان نکرد^(۶) و اما جهت رسیدن به این هدف چینل های جدید مباحثات با کابل حتمی بودند.

مناسباتی را که سازمان ملل متحد در چوکات گروپ شش جمع دو ایجاد نموده بود، بعد از به قدرت رسیدن بوش و تیمش باز هم جلب توجه نمودند. بصورت رسمی گفته میشد که به این گروپ بنابر دلایل بشر دوستی کمک میگردد. به تاریخ ۱۲ فیبروری سال ۲۰۰۱ نانسی زوندربرگ Nancy Soderberg سفیر امریکا در سازمان ملل متحد به درخواست فرانسس ویندرل آمادگی ایالات متحده را مبنی بر از سر گرفتن یک دیالوگ دایمی با طالبان اظهار نمود^(۷). این درخواست عملی گردیده و ویندریل ریاست این دیالوگ را به عهده گرفت. وی در این مسؤلیت بین ۹ اپریل و ۱۷ اگست جهت صحبت با طالبان چهار بار به کابل و کندهار سفر نمود. این مطلب در گزارش سر منشی سازمان ملل متحد، که قبلاً از آن نقل قول شد، آمده است.

برای اینکه به این ملاقاتها یک چوکات محرمانه تر داد، آنها در برلین دایر گردیدند. اشتراک کنندگان این ملاقاتها مانند سابق نمایندگان دول شش جمع دو بودند. صرف با این تفاوت که به خاطر جلوگیری از آبروریزی حکومت مربوطه، نمایندگان حاضر در ملاقات در کشور های شان پست رسمی نداشتند. از جانب امریکا تام سایمنس Tom Simons سفیر سابق حکومت کلنتن در اسلام آباد به نمایندگی از وزارت خارجه صحبت نمود. بنا بر گفتهء نمایندگان منافع پاکستان^(۸) حد اقل سه ملاقات تحت رهبری فرانسس ویندریل در آلمان صورت گرفت. هدف این ملاقات ها تشویق نمودن طالبان به موافقتنامهء مربوط به آتش بس با ائتلاف شمال، ایجاد یک حکومت متحد ملی و تسلیم دهی اسامه بن لادن بود.

همه امیدوار بودند، که مبارزان راه خدا صمیمانه از بخشی از قدرت خود صرف نظر نموده و مطالبات ایالات متحده را قبول خواهند کرد. اما این مسأله به ناکامی انجامید. به تاریخ ۱۷ جولای یک ملاقات مخفی دیگری در برلین پلان شده بود. دو روز قبل از آن هفته نامه فوکوس Focus این مطلب را افشاء نمود، که شاید به زودی دیداری میان وزیر خارجهء طالبان و همتایش از ائتلاف شمال، عبدالله عبدالله، در پایتخت آلمان صورت گیرد. اما نمایندهء طالبان به این ملاقات نیامد، زیرا که وی بعد از یک دیدار هیجانی بتاریخ ۱۵ می در بروکسل از اجلاس با یک کمیسیون تحت سر پرستی شورای امنیت ملل متحد که تعزیرات اقتصادی را علیه کشورش وضع نموده بود، امتناع ورزید. با وجود آنکه این کمیسیون شکل غیر رسمی داشت^(۹).

بنابر اظهارات نیاز نایک Naiz Naik نماینده پاکستان، هیئت کوچک امریکا در جریان مذاکرات اخیر در برلین، در صورت عدم آمادگی طالبان مبنی بر تغییر در موضعگیری شان، استفاده از "امکانات نظامی" علیه آنها سخن راند. این مسأله مخصوصاً در ارتباط با معضله ای بنام اسامه بن لادن صدق می نمود. نماینده امریکا، تام سایمنس این گفته را که درین مورد به این وضاحت ابراز نموده باشد، رد نمود. یک موضوع کاملاً اسرار آمیز. سایر کشور ها انکشافات

مربوطه را زیر نظر داشتند. به تاریخ اول ماه جون در واشنگتن يك جلسه سری در مورد مسأله افغانستان صورت گرفت. اشتراك کنندگان این جلسه شورای امنیت ملی تحت ریاست کوندولیزا رایس، کریستینا روکا، فرانسس ویندریل و ناظران بریتانیایی بودند (۱۰).

به تاریخ ۱۷ جولای برای به اصطلاح صدمین بار نقطه ای که از آن دیگر امکان بازگشت موجود نبود، فرا رسیده بود. وزیر خارجه فرانسه در يك اعلامیه کوتاه بدون تفسیر بیشتر ناکامی آخرین مذاکرات را اعلام نمود. اما این اعلامیه بعد از ۱۱ سپتمبر سال ۲۰۰۰ تلخی به خصوص را اختیار نمود: "امروز هوبرت ویدرین Hubert Vedrine نماینده خاص سرمنشی ملل متحد، مسوول خاص مسأله افغانستان، فرانسس ویندریل، را به حضور پذیرفت. فرانسس ویندریل به هوبرت ویدرین در مورد بن بست اوضاع سیاسی معلومات داد. آنها با هم در مورد امکاناتی که در مدت زمان نسبتاً کوتاه باعث انکشاف مثبت اوضاع شده میتوانست، بحث نمودند، به خصوص در مورد کمک از جانب جامعه بین الملل به شاه در رابطه با تلاش مبنی بر گرد آوری نمایندگان جامعه افغانی به دور خودش" (۱۱).

کدام شاه؟ در این مقطع زمان اشخاص محدود می دانستند که هدف از کلمه شاه چیست؟ واقعات بعدی نشان داد که هدف ازین کلمه، شاه سابق افغانستان، ظاهر شاه بود که در تبعید زندگی می نمود. قرار معلوم از چندین ماه بدین سو از موصوف تقاضا به عمل می آمد تا در کابل جاه نشین طالبان گردیده و در صورت لزوم در يك حکومت ملی فدرالی سهیم گردد. فرانسس ویندریل واقعاً از ۱۶ می سال ۲۰۰۱ به بعد در روم با ظاهرشاه به خاطر بررسی شرایط بازگشت وی به کابل در تماس بود (۱۲).

محصلان قرآن بدین ترتیب در جولای سال ۲۰۰۱ در عین زمان دو پیام را از غرب شنیدند:
- غور در مورد اقدامات ممکنه علیه ایشان به خاطر دستگیری اسامه بن لادن.
- صحبت با شاه سابق در مورد بازگشت و حصول قدرت در کابل.

همه چیز گواهی دهنده آن بود که غرب طالبان را کنار می زند. حتی در مورد جانشین شان بحث صورت گرفت. آیا فکر میشد که طالبان کور اند؟ کریستینا روکا به تاریخ دوم آگست صحبت هایش را با سفیر طالبان در اسلام آباد به صورت خستگی ناپذیر ادامه داده و تسلیم دهی اسامه بن لادن را تقاضا نمود. آیا این آخرین تلاش بود؟

به این ارتباط تغییر نظر رهبر طالبان، محمد عمر، و سیاست پنهانگر وی از سال ۱۹۹۹ به اینطرف نشان داده بود، که او در واقعیت نمی خواست، تا جامه دموکراتیک را پوشیده و از حمایت متحد و برادر هم عقیده اش، اسامه بن لادن صرف نظر نماید. هیچ کس نمی تواند بگوید، که کدام يك از این دو شخص قدرتمندتر است. رهبر ملیونر بنیادگران که در یکی از بزرگترین خانواده های سعودی بزرگ شده، به جهان عرب سفر نموده و رهبران متعصب را طرفدارش ساخته است و یا دهقان پشتون تبار تربیت شده از جانب مجاهدان در کوههای دور افتاده که طرفدار يك اسلام متعصب بوده و توان سازمان دهی همزمانش را دارا میباشد.

جواب به این سؤالات را هیچ کس نمی داند، با وجودآنکه شاید از تاریخ یازدهم سپتمبر بدین سو ابراز تأسف نمائیم که چرا این سؤالات را قبلاً طرح ننمودیم.

مأخذ:

- ۱ - بر مبنای تخمین حزب دموکرات، حزب جمهوری خواه بر اساس اظهارات خودش در برابر اداره دولتی، از صنایع نفت و گاز بصورت مستقیم و یا غیر مستقیم سه ملیون دالر کمک بدست آورده بود.
- ۲ - تولیدات نفتی در اروپا تحت نام ایسو ESSO به فروش میرسند.
- ۳ - به این ارتباط مخصوصاً به مقاله روزنامه واشنگتن پست، ۴ اپریل سال ۲۰۰۱، تحت عنوان "چیز هائی از يك جامعه مخفی" مراجعه شود. این مقاله وظایف "نیروی عملیاتی سیاست انرژی" را توضیح مینماید.
- ۴ - دفتر عمومی محاسبات گزارش ها را نشر نموده و درخواست کمیته های مختلف کانگرس را تقویت مینماید.
- ۵ - به این ارتباط به گزارش مرکز مطالعات سترات فورد، جولای سال ۲۰۰۱ مراجعه شود.
- ۶ - سؤال و جواب در برابر کمیته روابط خارجی مجلس سنا تحت ریاست سناتور، سیم براون بيك به تاریخ هفدهم می سال ۲۰۰۱.

۷ - اعلامیه مؤرخ دوازدهم فیبروری سال ۲۰۰۱ هیئت اضلاع متحده در سازمان ملل متحد. خانم نانسی زودبرگ میگوید: "آقای ویندریل از ما تقاضا کرد، تا در جهت دریافت راه برای يك دیالوگ متداوم در مورد امور بشری با طالبان تلاش نمائیم".

۸ - گزارش نیاز نایک، وزیر خارجه وقت پاکستان که از جانب پیر ابراموویچی در مجله تلویزیونی "Pièces à conviction" در تلویزیون فرانسوی France 3 نشر گردید.

۹ - تعداد مجموعی بازدید ها و محتوای شان در گزارش مؤرخ ۱۷ اگست سال ۲۰۰۱ سرمنشی ملل متحد تائید گردیده اند.

۱۰ - گزارش مؤرخ ۱۷ اگست سال ۲۰۰۱ سرمنشی سازمان ملل متحد، به بالا مراجعه شود.

۱۱ - اعلامیه مؤرخ ۱۷ جولای سال ۲۰۰۱ سخنگوی وزارت خارجه.

۱۲ - گزارش مؤرخ ۱۷ اگست سال ۲۰۰۱ سرمنشی سازمان ملل متحد.

ادامه دارد